

مردم سختی کشیده ایران دو بار یتیم شدند

ویژگان

همواره به احزاب و اندیشه‌ها احترام می‌گذاشت و حزب خود را با تلاش‌های شبانه‌روزی فعال و پویا نگه داشته بود. کسی که هیچگاه نسبت به برتری هیچ قشری نسبت به قشر دیگر اعتقاد نداشت حتی با اینکه مدافع تمام عیار حقوق زنان بود ولیکن در تمام جلسات خود از اهمیت خانه و خانواده می‌گفت چون خودش زنی قهرمان و شجاع و مادری دلسوز و فداکار بود. اسلام را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف نمی‌دانست بلکه با رفتار و شخصیت و روحیه انقلابی و مردمی واقعی و نه شعاری باعث گرایش و احترام بیشتر مردم نسبت به مسائل دینی می‌شد و همیشه با قدرت از جایگاه اسلام و مسلمان می‌گفت و تبلیغ می‌کرد.

کسی که توانست حتی در مقام شعار، رجل سیاسی این مملکت را قانع به پذیرفتن زنان در عرصه انتخابات ریاست جمهوری کند ولی همان رجل سیاسی زمانی این موضوع را اعلام کردند که دیگر خانم طالقانی نیست تا زنان را برای ریاست جمهوری تشویق کند.

کسی که کرسی مشورتی در سازمان ملل متحد داشت و برای تمامی برنامه‌های ویژه زنان دارای جایگاه ویژه بود که تمامی پروژه‌ها و توصیه‌های آنها را به فراخور زنان ایرانی پیگیری و اجرا می‌کرد، طبعاً باعث فخر یک ملتی بود که نشان می‌داد ایران دارای یک جامعه مترقی است.

مجلس بسیار با شکوه مردمی را شنیده و دیده‌ام، وقتی که به هنگام سفر آخرتشان مردم بدون داشتن هیچگونه رسانه اجتماعی رسمی خودشان با دل خودشان بدون دعوتنامه شکوهی واقعی را رقم می‌زند چه حاجت به روایت من کوچک در برابر مقام و منزلت جایگاه ایشان دارد ولی افسوس که چون سیاسیون ما چنین انسان‌هایی را با استراتژی خود همسو نمی‌بینند پس هیچگاه در معادلات سیاسی خود چنین شخصیت‌های مردمی را لحاظ نمی‌کنند.

چه فایده وقتی چنین شخصیت‌هایی یا رد صلاحیت می‌شوند یا زندانی. چه فایده که من از مراحل زندگی خودم فقط سانسور و دروغ شنیدم. چه فایده که من نمی‌توانم کسانی را در ابعاد سیاسی و اجتماعی و اسلامی شخصیت‌هایی همچون آیت الله و خانم طالقانی در این جامعه بیابم که حتی برای فرزندم تدریس معارف کند.

کجا می‌توانم کسی را پیدا کنم که بدون دغدغه سیاسی یا احکام قضایی یا بدون زدن انگ مجرم با او کلامی صحبت کنم و یاد بگیرم و با خیال راحت به رهنمودهایش گوش کنم و بدانم که واقعا قصدش قربت الی الله است؟

کجا می‌توانم شخصی مانند اعظم طالقانی را پیدا کنم که بدون کوچکترین خمی در چهره، او را به روستای مادریم ببرم، اهالی روستا نیز از دیدن چنین شخصیتی به خود ببالند و بدانند هنوز کسانی هستند که بی‌آلایش در کنارشان خوشه انگوری از دسترنجشان می‌خورد و خدا قوتی بشنوند که خستگی یکسال کار و تلاش را از روی دوش‌شان بردارد.

خانم طالقانی و پدر بزرگوارش در مرز احزاب تعریف نمی‌شدند بلکه جایگاهی به وسعت یک ایران و یک ملت داشتند که شاید برخی احزاب با اسم شان رنگ و بوی ملی‌گرایی و میهن‌پرستی می‌گرفت.

کجا می‌توانم معلمی پیدا کنم که زندگیش را فدای مردم و اجتماع کرده باشد. هیچ‌گاه حب آقازاده بودن را در دل نکارد. اعظم طالقانی می‌دانست فرزند آیت الله طالقانی بودن، وظیفه‌ای بسیار خطیر است و باید در راه او مبارزه کرد تا اسم طالقانی به سمبل امید ملتی مستضعف به معنای قشر آسیب دیده و آسیب پذیر تعبیر شود.

به راستی شخصیت مردمی امروز جامعه ما کیست؟

حقیقتاً مردم سختی کشیده ایران اسلامی ما، در عصر حاضر دو بار یتیم شده اند. یک بار از پدر، مرحوم آیت الله طالقانی و یک بار نیز از مادری خسته، دلسوخته و دردمند اعظم طالقانی.

شخصی که هم روحانی بود و هم از جنس مردم. در حالیکه از جیب مردم روزی نداشت و در هر حالتی شخصی قابل اعتماد بود. در هنگام معاشرت با او چه از باب رهنمود و چه از باب احوال‌پرسی حس اعتمادی دست می‌داد که انگار مدتها به دنبال چنین چیزی در یک روحانی و عالم برجسته‌می‌گشتید.

اشخاصی که درد کشیده همین اجتماع بودند، نه برای پست و قدرت و فقط به خاطر اقشار فرودستی که زمانی زیر ظلم عده‌ای خاص بودند، فریاد اعتراض سر دادند و پا به پای مردم ایستادند و حتی زندان و شکنجه را تحمل کردند.

تمام تلاش خود را جهت بیداری و آزادی مردم به کار بستند در چندین دهه اخیر که شاید بیش از نیم قرن تلاش و گذشت از راحتی‌های زندگی را فدای هدف والای خود کردند. به عینه شاهد بودم اعظم طالقانی در واپسین لحظات عمر خود نیز نگران مردم بودند چرا که از جنس مردم بودند.

وقتی با او در خصوص هر مسئله و مشکلی صحبت می‌کردید، با دل و جان با شما معاشرت می‌کرد، بطوریکه شخصیتش شما را جذب می‌کرد و شما علاقمند و مجذوب صحبت هایش میشدید، چرا که از جنس مردم بود.

کسی که تمام تلاش و هم و غم خود را به کار می‌برد تا برای زنان جامعه و به خصوص زنانی که در امرار معاش مشکلی دارند کار کنند و عملاً و عیناً بیش از حد توان‌شان از وقت و جان و مال‌شان برای هدف الهی خود هزینه می‌کردند.

برای فرزند معلول خود بیشتر از یک الگو برای جامعه‌ای بودند که فرزندان معلول خود را حتی پنهان می‌کنند در حالیکه خانم طالقانی علیرغم وضعیت جسمانی آنچنان عشق و شور و حالی در فرزندش بوجود آورده بود که باید به عنوان مادر نمونه در جهان معرفی می‌شد.

کسی که در زندگی سیاسی خود تمامی نظرات موافق و مخالف خود را شنیده بود و برای آنها احترام قائل بود که اگر نظر کسی را منافی اهداف سیاسی اجتماعی و اسلامی خود می‌دید سعی در راهنمایی و ارشاد با حفظ شخصیت مخاطب خود داشت که در نهایت حتی در هنگام عصبانیت با تشریح مادرانه سعی در ارشاد شما داشت کاش بود باز هم ارشادمان می‌کرد علیرغم اینکه در تمام زمینه‌های سیاسی و اجتماعی فعالیت بی‌نظیری داشت. ولیکن به باری محیط زیست شتافت و با برگزاری آموزش‌ها و روشنگری‌ها علاوه بر کمک به محیط زیست این اقدام به سلامت مردم منطقه هم کمک کرد.

وقتی دیدم با تمام مشکلات جسمی و زندگی شخصی در هنگام زلزله برای همیاری و همدلی با مردم مناطق مختلف به دیارشان سفر می‌کرد بیشتر تحت تاثیر چنین شخصیتی قرار می‌گرفتم.

علیرغم اینکه خودش به وضوح در بطن مردم جای داشت ولیکن هرگاه هر کسی را که علاقمند به فعالیت‌های اجتماعی بود ملاقات داشت حتماً از زندگی مردم به لحاظ اجتماعی و اقتصادی سوال می‌کرد تا بتواند با هر تلاشی که شده آنرا به گوش دولتمردان برساند.

کسی که به لحاظ سیاسی به هیچ عنوان مردم و هدف والای خویش را فدای مصلحت اندیشی‌های سیاسی خود نکرد و با تمام دولتمردان با قدرت و بدون تعارف حرف زد و از حقوق مردم دفاع کرد.

کسی که افکار مردمی را به دغدغه‌های حزبی اولی می‌دانست ولی



آرش توفیقی
فعال سیاسی

کسی که توانست

حتی در مقام شعار، رجل سیاسی این مملکت را قانع به پذیرفتن زنان در عرصه انتخابات ریاست جمهوری کند ولی همان رجل سیاسی زمانی این موضوع را اعلام کردند که دیگر خانم طالقانی نیست تا زنان را برای ریاست جمهوری تشویق کند.